فاطمه(س)؛ الگوئی برای مردان و زنان

* حسن صادقی‌نژاد

هرکســـی اگر ادعائی داشته باشد باید آن را اثبات کند. کسی که مدعی محبت و مودت اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) و شیعه و پیرو آنان است، باید این ادعا را با عملش به اثبات برساند.

فاطمه(س) خود را شیعه امیرمومنان امام‌علی(ع) می‌داند و در قول و فعلش نشـــان می‌دهد تا چه اندازه پیرو است و در همین راه نیز به شـــهادت می‌رسد و نخستین شهید راه ولایت می‌شود. نویسنده با مراجعه به سنت و سیره حضرت فاطمه(س) بر آن اســـت که حقیقت شـــیعه بودن از منظر فاطمی(س) را تبیین کند.

***

فاطمه(س)قرآن مجسم

قرآن، کتاب هدایت و راهنمای بشـــر است. قرآن دارای آموزه‌های معرفتی و دستوری است. این کتاب الهی و وحیانی بر آن است تا فلسفه زندگی را برای انسان تبیین کرده و سبک زندگی را بر اساس آن فلسفه پی‌ریزی کند. لذا در این مقام، تبیان کل شـــی است و هر چیزی را به تمام و کمال روشن کرده است. (نحل، آیه ۸۹)

از آنجایی که برای بیشتر مردم دریافت فلسفه و سبک زندگی قرآنی دشوار است، خداوند پیشوایان و اسوه‌های نیکوئی را انتخاب کرده تا مردم با نگاه به سبک زندگی آنان بتوانند به همان مقاصدی برسند که مطلوب و مقصود از بعثت پیامبران و ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی است؛ زیرا بخش معرفتی و فلسفی آموزه‌های وحیانی برای بســـیاری سخت‌یاب است؛ اما مردم می‌توانند با بهره‌گیری از سبک زندگی پیشوایان به شکل عملی به همان معارف دست یابند. از همین رو خداوند در آیات قرآن اسوه‌هایی را برای انسانها معرفی می‌کند که پیامبر(ص) و اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) در اوج قرار می‌گیرند و به دلیل عصمت و طهارتی که در فهم و عمل و انگیزه دارند می‌توانند بی هیچ اما و اگری سرمشـــق قرار گیرند. (احزاب، آیات ۲۱ و ۳۳)

این اولیای الهی از جمله حضرت فاطمه زهرا(س) بهترین سرمشق برای بشـــریت هستند؛ چرا که آنان تجســـم قرآن می‌باشند خداوند و پیامبـــر(ص) بارها حضـــرت فاطمه زهرا(س) را به کمالات ســـتوده و پیامبر(ص) ایشـــان را به عنوان سرور زنان و جهانیان معرفی می‌کند. پس آن حضرت(س) هم در دنیا و هم در آخرت بر همه هستی سروری دارد و در مقام مظهر اتم و اکمل الهی قرار می‌گیرد.

آن حضرت(س) همان‌گونه که تجســـم آیات قرآنی اســـت مفسر و مبین قرآن نیز می‌باشـــد. با آنکه قرآن مبین و تبیان و روشـــن است (نحل، ایه ۸۹)، ولی شـــکی نیست که قرآن قول ثقیل (مزمل، آیه ۵) نیز است؛ از همین رو درک و فهم آن برای مردم سخت خواهد بود لذا نیازمند تعلیم پیامبر(ص) اســـت تا مفاهیم بلند آن را به مردم آموزش دهد. (بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱؛ جمعه، آیه ۲)

خداوند به صراحت پیامبر (ص) را مســـئول تبیین و تفسیر قرآن معرفی می‌کند و می‌فرماید: بالبینات و الزبر و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون؛ با دلایل و حجت‌های روشـــن و کتاب‌ها و نوشته‌های پندآموز فرستادیم، و این ذکر - یاد و پند قرآن- را به تو فرو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شـــده است روشن بیان کنی و توضیح دهی تا شاید بیندیشند. (نحل، آیه ۴۴ و نیز نگاه کنید: آیه ۶۴)

پس یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های پیامبر(ص) تعلیم و آموزش مفاهیم قرآنی و تفســـیر و توضیح آن است تا بستری برای فهم و تفکر مردم فراهم آید.

این مسئولیت نمی‌تواند به عصر حضور پیامبر(ص) محدود شود؛ زیرا نسل‌های دیگر نیز می‌آیند و شرایط به گونه‌ای نیست که در یک دوره کوتاه بتوان همه معارف قرآنی را بیان کرد. از همین رو اوصیا و اولیای الهی دارای عصمت و طهارت(ع)، معرفی می‌شـــوند تا این مسئولیت را به عهده گیرند و به عنوان استمرار رسالت در قالب امامت و ولایت آن را ادامه دهند. این‌گونه است که پیامبر(ص) قرآن را در کنار عترت و نه سنت قرار می‌دهد تا دانسته شود قرآن همواره نیازمند مفسرانی است تا آن را تبیین کنند؛ چنان که جامعه نیازمند رهبرانی است تا در امور زندگی به ویژه سیاســـت و جامعه و اجتماع به آنان مراجعه کرده و در فتنه‌ها و شبهات و آشوب‌ها راهنما و منجی آنان باشند و از گمراهی و ضلالت حفظ کنند.(نساء، آیه ۵۹)

پیامبر(ص) به صراحت رابطه تنگاتنگ میان قرآن و عترت را بیان می‌کند و می‌فرماید: من دو چیز گران‌بها و ارزشـــمند در بین شـــما به ارث می‌گذارم و اگر بعد از من به آن دو متمســـک شوید، هرگز گمراه نخواهید شد و آن دو عبارتند از: کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. (محمد قمی، حدیث ثقلین، مصر دارالتقریب، ۱۳۷۱ ق، ص ۹)

با توجه به اینکه در آیات و روایات جایگاه علمی و عملی فاطمه(ص) به عنوان اهل عصمت و طهارت(احزاب، آیه ۳۳؛ انسان، آیات ۸ تا ۱۰) ســـتوده شده و به عنوان اهل‌الذکر اســـت(نحل، آیه ۴۳؛ انبیا، آیه ۷) بـــرای تبیین قرآن باید به آن حضرت(س) مراجعه شـــود تا حقایق و مفاهیم بلند قرآنی را تفســـیر کند. البته از روایات به دست می‌آید که آن حضـــرت(س) در همان مدت اندک و کوتاه عمرش که بیش از ۱۸ بهار به درازا نینجامید، به خوبی از این مهم برآمد و در قول و فعل به تفسیر قرآن پرداخت.

بیان فلسفه احکام

حضرت فاطمه زهرا(س) در یک خطبه غرا به تبیین مفاهیم بلندی از قرآن می‌پردازد که دور از دسترس غیر معصوم است. ایشان در خطبه خویش به فلســـفه احکام و علل‌الشرایع اشاره می‌کند تا نشان دهد که تـــا چه اندازه از نظر معرفت و فهـــم و ادراک مفاهیم قرآنی از همگان برتر است. فضیلت آن حضرت(س) که به تعبیر پیامبر(ص) انسیه حورا است و از جنس بشـــر عادی به شمار نمی‌آید، چنان در خطبه‌هایش آشکار می‌شود که گویی پیامبر(ص) سخن می‌گوید. این مطلبی است که حتی دشـــمنان و مخالفان آن حضرت(س) بدان اقرار کرده و بارها به آن اشاره داشته‌اند.

با نگاهی به خطبه آن حضرت(س) برای زنان مهاجر می‌توان میزان و سطح معرفتی آن حضرت(س) را دریافت.

ایشان در آن خطبه می‌فرماید: خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی‌ها و شقاوت‌ها قرار داد؛ و نماز را بـــرای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود؛ و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توســـعه روزی تعیین کرد؛ و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست؛ و حج را برای استحکام اساس شریعت و بنا دین اسلام واجب نمود.

خداوند متعال منع و نهی از شـــرابخواری را جهت پاکی جامعه از زشـــتی‌ها و جنایت‌ها؛ و دوری از تهمت‌ها و نســـبت‌های ناروا را مانع از غضـــب و نفرین قرار داد؛ و دزدی نکـــردن، موجب پاکی جامعه و پاکدامنی افراد می‌گردد.

خداوند سبحان، شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا همگان تن به ربوبیت او در دهند و به ســـعادت نائل آیند؛ پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید. بنابر این باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است، زیرا که تنها علما و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و خشیت خواهند داشت: (ریاحین الشریعهٔ: ج ۱، ص ۳۱۲، فاطمهٔ‌الزهرا: ص ۳۶۰)

در مقام حمایت از ولایت

حضرت فاطمه(س) به حکم وظیفه و تکلیف الهی، خود را موظف می‌دانســـت تا در کنار ولایتی بماند که آن را استمرار رسالت پیامبران و از جمله رســـول‌الله(ص) می‌دانست. حمایت آن حضرت(س) از امیر مومنان علی(ع) تنها به عنوان حمایت از شـــوهر نبود، بلکه حمایت از ولایت و امامت بود.

آن حضرت(س) برای حمایت از ولایت و امامت امیر مومنان علی(ع) که به صراحت از سوی خداوند (مائده، آیات ۳ و ۵۵ و ۶۷؛ نساء، آیه ۵۹ و آیات دیگر) نصب شـــده و از ســـوی پیامبر(ص) در غدیر خم پس از حجةالوداع معرفی شده بود، مدت‌ها به خانه انصار و مهاجران می‌رفت و آنـــان را به حمایت از پیمانی کـــه با پیامبر(ص) و خدا در غدیر خم بسته بودند، دعوت می‌کرد.

آن حضرت(س) مدت چهل شـــبانه‌روز بـــرای اتمام حجت به در خانه‌های مردم مدینه و به‌ویژه سران رفت و در مسجد خطبه‌ها خواند . ایشان می‌فرماید: افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمومنین علی شکستند و در حق من ظلم کرده و ارثیه‌ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگزارند. (بیت‌الاحزان: ص ۱۱۳، کشف الغمهٔ: ج ۲، ص ۴۹۴)

این سبک و سیره فاطمی(س) به شیعیان او می‌آموزد که دفاع از ولایت تا مرز شـــهادت امری ضروری و لازم است و هر کس نمی‌تواند مدعی شیعه‌گری باشد در حالی که نسبت به ولایت کوتاهی می‌کند.

حضرت فاطمه(س) در بیان تولی و تبری به عنوان یک اصل اساسی در دین اســـلام خطاب به مردم، ویژگی شیعه بودن را روشن می‌کند و سپس به آنان بشارت بهشت را می‌دهد و می‌فرماید: شیعتنا من خیار اهل الجنهٔ وکل محبینا و موالی اولیائنا و معادی اعدائنا و المسلم بقلبه و لســـانه لنا؛ شـــیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیای ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند، نیز آنهایی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند، بهترین افراد بهشتیان خواهند بود. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، س ۲۰، ح ۱۱)

در حقیقت شیعه فاطمه بودن مشروط به تولی و تبری است، چنانکه اهل توحید بودن منوط به آن است؛ زیرا انسان می‌بایست نخست از هر گونه معبودان تبری جوید و سپس به اثبات و تولی الله بپردازد؛ اگر در قلب کسی غیر خدا جا گرفته باشد، جایی برای خدا باقی نمی‌ماند. از همین رو خداوند رستگاری را به تبری از غیر خدا و تولی را به خدا دانسته و از زبان پیامبر (ص) می‌فرماید: قولوا لا اله الا الله تفلحوا. پس شـــرط شیعه فاطمی بودن آن است که نخست از دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) تبری جسته و سپس تولی و ولایت آنان را به گردن گیریم.

*** حضرت فاطمه(س) به حکم وظیفه و تکلیف الهی، خود را موظف می‌دانست تا در کنار ولایتی بماند که آن را استمرار رسالت پیامبران و از جمله رسول‌الله(ص) می‌دانست. حمایت آن حضرت(س) از امیر مومنان علی(ع) به عنوان حمایت از شوهر نبود، بلکه حمایت از ولایت و امامت بود.**

حفاظت از منزلت زن

حضرت فاطمه (س) تنها شـــخص از اهل عصمت و طهارت (ع) از جنس زنان اســـت؛ زیرا بقیه چهارده معصوم(ع) همه از مردان هستند. از این رو، مسئولیت آن حضرت(س) در تبیین منزلت و مقام زن بسیار سنگین‌تر است. خداوند در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم حضرت مریم (س) و آسیه همسر فرعون (س) را به عنوان دو الگو برای همه مومنان معرفی می‌کند؛ حضرت فاطمه (س) نیز سرمشق همه مومنان از جنس مرد و زن است؛ اما با توجه به ویژگی زنانگی‌اش مسئولیت او دو چندان بود، چنان‌که مسئولیت ایشان به اعتبار انتساب به بیت نبوت و رسالت (ص) بسیار سخت و مضاعف بوده و خداوند بصراحت آن را در آیاتی از جمله ۳۰ و ۳۱ سوره احزاب بیان کرده است.

شیعه فاطمه(س) باید سبک زندگی فاطمه را سرمشق قرار دهد و در این میان زنان می‌بایست از سبک زندگی آن حضرت به تمام و کمال سرمشق گیرند و او را اسوه حسنه خویش قرار دهند؛ زیرا میان فاطمه (س) و زنان در مسئله جنسیت، تناسب و اشتراکی است و زنان به آسانی می‌توانند از این زن معصوم (احزاب، آیه ۳۳) سرمشـــق گیرند بی آنکه احتمال خطا و اشتباه در فکر و قول و عمل آن حضرت (س) را بدهند؛ چرا عصمت موجب می‌شود که همه اعمال و افکار ایشان قرآنی باشد.

آن بانو در بیان برترین زنان می‌فرماید: خیر للنساء ان لایرین الرجال و لایراهن الرجال؛ بهترین چیز برای حفظ شـــخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد. (بحارالانوار: ج۴۳، ص ۵۴، ح ۴۸)

این ســـخن حضرت فاطمه (س) برگرفتـــه از آیات قرآن از جمله آیه ۵۹ ســـوره احزاب است. به سخن دیگر ندیدن و دیده نشدن زنان موجب می‌شود تا زن در برابر اجانب ناشناس بماند و کرامت زن بودن خویش را حفظ کند.

در روایات است که خود آن حضرت (س) این گونه عمل می‌کرد. روزی مرد نابینایی وارد منزل شد و حضرت زهرا (س) پنهان گشت، وقتی رســـول خدا (ص) علت آن را جویا شـــد؟ در پاســـخ پدر اظهار داشـــت: ان لم یکن یرانی فانی اراه، و هویشم الریح؛ اگر آن نابینا مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم، دیگر آنکه مرد، حســـاس است و بوی زن را استشمام می‌کند. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۹۱، ح ۱۶، إحقاق الحق: ج ۱۰، ص ۲۵۸)

حضرت فاطمـــه (س) در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن وصیتی به اسماء بنت عمیس فرمود: من زشت می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه‌ای روی بدنش تشییع می‌کنند و افراد، اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می‌نمایند. مرا برتختی که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده بلکه مرا با پوشـــش کامل تشـــییع کن، خداوند تو را از آتش جهنم محفوظ نماید. (تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۴۲۹، کشـــف الغمه: ج۲ ص ۶۷، بحار: ج ۴۳، ص ۱۸۹، ح ۱۹)

آن حضرت (س) چنان مقام زن بویژه مادران را متعالی می‌دانست که همگان خصوصا مردان را به مراعات و خدمت مادر می‌خواند و می‌فرمود: همیشه در خدمت مادر و پایبند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن، نعمت‌های بهشتی خواهد بود. (کنز العمال: ج ۱۶، ص ۴۶۲، ح ۴۵۴۴۳)

در حقیقت توصیه ایشان در مورد مادر براساس آموزه‌های قرآن از جمله آیات احسان و اکرام به والدین (بقره، آیه ۸۳؛ نساء، آیه ۳۶؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ اسراء، آیه ۲۳) و بویژه آیه ۱۸۵

ســـوره اعراف و آیه ۱۴ ســـوره لقمان و ۱۵ سوره احقاف است که از ســـختی بارداری مادر و زحماتی سخن به میان می‌آورد که حمل و زایمان را بر مادران تحمیل می‌کند.حضرت فاطمه (س) در راســـتای حفاظت کرامت و منزلت زنان سفارش‌های را به زنان دارد که از جمله آنها در چارچوب شوهرداری نیکو که جهاد زن به شمار می‌آید، در قالب نکته‌ای از زندگی خویش، خطاب به همسرش امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید: یا ابا الحسن! انی لاستحی من الهی ان اکلف نفسک مالاتقدر علیه؛ من از خدای خود شرم دارم که از تو چیزی را در خواست نمایم و تو توان تهیه آن را نداشته باشی. (امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۲۸)

پس شیعه فاطمه (س) این گونه عمل می‌کند و شوهر خویش را به امری وادار نمی‌کند که توان آن را ندارد یا موجب می‌شود تا به رنج و تکلف بیفتد تا نیاز همسرش را تامین نماید.

*** شیعه فاطمه بودن مشروط به تولی و تبری است، چنانکه اهل توحید بودن منوط به آن است؛ زیرا انسان می‌بایست نخست از هر گونه معبودان تبری جوید و سپس به اثبات و تولی الله بپردازد؛ اگر در قلب کسی غیر خدا جا گرفته باشد، جایی برای خدا باقی نمی‌ماند.**

آموزه‌های عبادی

آن حضرت (س) به همه ابعاد زندگی بشر توجه داشت . از جمله در مسائل عبادی آنچه را خود انجام می‌داد به دیگران سفارش می‌کرد و مردم را به تقوا و عمل صالح و اخلاص در عمل دعوت می‌نمود. فاطمه (س) در سخنی می‌فرماید: من اصعد الی الله خالص عبادته، اهبط الله عزوجل له افضل مصلحته؛ هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات خود را برای او تقدیر می‌کند. (بحار: ج ۶۷، ص ۲۴۹، ح ۲۵)

فاطمه (س) با اشـــاره به محبوب‌های خود در دنیا به ما می‌آموزد کـــه نباید اموری چون تفاخر و تکاثـــر و پول و ثروت و قدرت محبوب ما شـــود (آل عمران، آیه ۱۴؛ حدیـــد، آیه ۲۰) ،بلکه باید محبوب‌های دنیـــوی خود را اموری قرار دهیم که آخرت ما را آباد می‌کند. ایشـــان می‌فرماید: حبب الی من دنیاکم ثلاث: کتاب الله، والنظر فی وجه رسول الله، والانفاق سبیل الله؛ سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است: تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا، انفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا. (وقایع الایام- ص ۲۹۵)

این محبت به رســـول الله (ص) امروز نیز می‌تواند در قالب صلوات و سلام بر پیامبر (ص) تحقق یابد؛ زیرا حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: من سلم علیه او علی ثلاثهٔ ایام اوجب الله له الجنهٔ قلت لها: فی حیاته و حیاتک؟ قالت: نعم و بعد موتنا؛ هر که بر پدرم رســـول خدا و بر من به مدت سه روز سلام کند خداوند بهشت را برای او واجب می‌گرداند، چه در زمان حیات و یا پس از مرگ ما باشـــد. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۸۵، ح ۱۷)

بســـیاری از مردم عبادت را به درستی انجام نمی‌دهند؛ زیرا فاقد شرایط قبولی است؛ هر چند که؛ شرایط صحت رادارا باشد؛ مثلا اخلاص و تقوا در عمل وجود دارد ولی شخص عامل، خود مخلص و متقی نیست؛ در حالی که شرط قبولی مخلص و متقی بودن است. (مائده، آیه ۲۷)

یا شـــخص جلوی شکم خویش را در روزه می‌گیرد و نمی‌خورد و نمی‌آشامد ولی جلو اعضای دیگر را نمی‌گیرد و امساک زبانی و نگاهی و مانند آن ندارد و دروغ می‌گوید و غیبت می‌کند و گناه چشـــم انجام می‌دهد. آن حضرت (س) در این باره می‌فرماید: ما یصنع الصائم بصیامه اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه؛ روزه‌داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل نکند هیچ سودی از روزه خود نمی‌برد. (مستدرک الوســـائل: ج۷، ص ۳۳۶، ح ۲، بحارالانوار: ج ۹۳، ص ۲۹۴، ح ۲۵)

بهره‌مندی شیعه فاطمه (س) از شفاعت

اگر کسی این گونه در چارچوب‌های ترسیمی آن حضرت (س) که اصول وحیاتی است زندگی کند، به فلسفه زندگی قرآنی دست می‌یابد و در قیامت نیز از شفاعت آن حضرت (س) بهره مند خواهد شد.

اگر بخواهیم شـــیعه فاطمه (س) باشـــیم باید به دستورهای آن حضرت (س) گوش داده و پایبند آن باشیم. آن حضرت (س) خودش می‌فرماید: ان کنت تعمل بما امرناک و تنتهی عما زجرناک عنه، فانت من شـــیعتنا، والا فلا؛ اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده‌ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده‌ایم خودداری نمائی، تو از شیعیان ما هستی و گرنه، خیر. (تفسیر الامام العسکری، ص ۳۲۰، ح ۱۹۱) در این صورت اســـت که در دنیا و آخرت از شـــفاعت آن حضرت (س) سود خواهیم برد. ایشـــان در دعاهای خویش برای شیعیان دعا می‌کند و می‌فرماید: الهی و ســـیدی، اسئلک بالذین اصطفیتهم، و ببکاء ولدی فی مفارقتی ان تغفر لعصاهٔ شیعتی، وشیعهٔ ذریتی؛ خداوندا، به حق اولیاء و مقربانی که آنها را برگزیده‌ای، و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان، از تو می‌خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی . (کوکب الدری: ج۱، ص ۲۵۴)

در آخرت نیز خود می‌فرماید که به کمک شیعیان آمده و شفاعت آنان را می‌کند. ایشـــان در این باره نیز فرموده اســـت: اذا حشرت یوم القیامهٔ، اشفع عصاهٔ امهٔ النبی (ص)، هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم، خطاکاران امت پیامبر را شفاعت کنم. (خصال: ج ۱، ص ۱۷۳؛ احتجاج: ج۱، ص ۱۴۶).آنچه بیان شد تنها گوشه‌ای از آموزه‌های فاطمی برای شیعیان است تا به آن راه و رسم شیعه واقعی بودن بیاموزد و مسلما پرداختن به همه آنها نیازمند کتابی مستقل است.

اقتصاد مقاومتی و توجه به مقتضیات

* داود سلطانی

اقتصاد مقاومتی اقتصادی مبتنی بر توانمندی‌های درونی است به گونه‌ای که در برابر تکانه‌های جهانی و فشارها و تحریم‌ها مقاومت کرده و تاثیرپذیری نداشـــته باشد. دســـت یابی به چنین اقتصادی نیازمند راهبردها، سیاســـت‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی است که از جمله آنها توجه به مقتضیات زمانی و مکانی است. نویسنده در این مطالب دربـــاره ضرورت توجه به مقتضیات و شـــرایط در برنامه‌ریزی برای اقتصاد مقاومتی سخن گفته است.

باور به ضرورت اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی همانند هر راهبرد بنیادین، نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است. در حقیقت اقتصاد مقاومتی راهبرد اقتصاد جامعه را تعریف و تعیین می‌کند که تامین کننده عنصر آسایش و رفاه جامعه است. هر جامعه‌ای بر آن است تا سعادت را در دنیا برای افراد جامعه تامین کند و فلسفه وجودی جوامع و دولت‌ها چیزی جز تامین سعادت افراد جامعه نیســـت؛ البته مفهوم ســـعادت در فلسفه وجودی جامعه اســـلامی و امت اســـلام فراتر از مفهوم سعادت در جوامع غیراسلامی است؛ زیرا اسلام خواهان تامین سعادت دنیوی و اخروی امت است و بر همین اساس سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود را پی‌ریزی می‌کند.

جوامع و دولت‌ها درپی آن هســـتند تا به هر شکلی شده سعادت را به دســـت آورند که شامل دو مولفه اساسی آرامش و آسایش است. اقتصاد، تامین کننده عنصر آسایش است؛ از همین رو در جایگاه مهم و ارزشـــی قرار می‌گیرد و حتی در آموزه‌های قرآن در کنار عبودیت و بندگی خداوند مطرح می‌شود. (بقره، آیه ۳)

خداوند در آیه ۵ ســـوره نســـاء اقتصاد را به عنوان قوام بخش و ســـتون خیمه جامعه معرفی می‌کند؛ زیرا اگر اقتصاد در هر جامعه‌ای تامین نشـــود از هم فرو می‌پاشـــد و خیمه و چادری بر پا نمی‌شود تا افـــراد در زیر آن قرار گیرند و از فواید حضور در جامعه و عضویت در آن بهره‌مند شوند.

بر همین اساس اقتصاد باید به‌گونه‌ای باشد که در برابر تکانه‌های داخلی و خارجی مقاومت داشـــته باشـــد و قوامیت خود را همانند یک شجره طیبه و میوه‌آور با اصول و ریشه‌های خود حفظ کند از همین رو اقتصاد مقاومتی اقتصادی خواهد بود که خود دارای ریشه‌های استوار و محکمی است که به تندبادها و تکانه‌های شدید درونی و بیرونی از جا کنده نمی‌شود و به عنوان ستون خیمه گاه عمل می‌کند.

اصول و ریشـــه‌های اقتصاد مقاومتی بایـــد از هر گونه آفتی پاک و پاکیزه باشـــد و گرنه همانند درخت بیماری خواهد بود که یا اصلا میوه‌ای نمی‌دهد یا میوه‌های بیمار دارد که بی‌فایده و کم فایده خواهد بود. درخت بیمار و آفت زده درونی اقتصاد، به سبب ناپاکی‌هایی چون اختلاس و ربا و کم فروشی و پر فروشی و ویژه خواری همان‌طوری که میوه نمی‌دهد یا کم می‌دهد، به طور طبیعی ناتوان در برابر تکانه‌های بیرونی خواهد بود و با تندبادهای شـــدید بیرونی از ریشه‌کنده خواهد شد و فرو می‌پاشد.

بر این اساس باید برای تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد بنیادین برای هر جامعه خواهان استقلال، آزادی، رشد، توسعه، پیشرفت و شـــکوفایی تمدنی، سیاست‌ها وبرنامه‌هایی را به مورد اجرا در آورد تا هم از آفت‌های درونی در امان باشد و هم بتواند از آسیب‌ها و تکانه‌های بیرونی خود را محافظت کند.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: اقتصاد مقاومتی که برای کشـــور، در هر شـــرایطی اعم از تحریم یا غیر تحریم ضروری است، به معنای آن است که بنیان اقتصادی کشور بگونه‌ای ساماندهی شود که تکانه‌های جهانی در آن اثرگذار نباشد. (سخنان رهبری در دیدار مردم آذربایجان؛ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹)

البته شکی نیست که درک ضرورت نیاز اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد بنیادین، گام نخست بوده و سیاست گزاری شفاف و روشن در این زمینه گام دوم خواهد بود، اما با این همه تا برنامه‌ریزی در گام ســـوم و اجرای دقیق برنامه در گام چهارم انجام نگیرد، هرگز نمی‌توان امیدی به موفقیت در این زمینه داشت.

به ســـخن دیگر، همان‌طوری که در مقام عقل نظری تا به جزم و تصدیق به ضرورت محمول برای موضوع نرسیم و فواید آن را تصدیق نکنیـــم، انگیزه‌ای برای عمل نخواهد بود، در اقتصاد مقاومتی نیز تا به ضرورت اقتصاد مقاومتی برای جامعه نرســـیم و جزم اندیشـــه‌ای پیدا نکنیم، هیچ‌انگیزه‌ای برای حرکـــت در راهبرد اقتصاد مقاومتی وجود نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد که در جامعه کنونی، بخشی از جامعه در اصل اقتصاد مقاومتی شک دارند و برخی در مقام عمل و اراده عزمی‌بدان نداشته و تردید دارند. از همین رو دنبال سیاست‌گذاری آن نمی‌روند و به طریق اولی هیچ تمایلی به برنامه‌ریزی و اجرای آن ندارند.

برنامه‌ریزی بر پایه مقتضیات زمانی و مکانی

اگر جامعه و دولتی به این نتیجه برسد که اقتصاد مقاومتی در همه ابعاد مورد توجه قرار گیرد تا همانند یک نقشـــه راه بتوان برنامه‌های خرد و کلان را در چارچوب آن تعریف، ارزیابی و سنجش کرد و میزان خطا و زاویه گرفتن را بدست آورد.

از آیات سوره یوسف به دست می‌آید که مهندسی جامع و مانع باید طوری باشد که بتوان براساس آن زاویه و عدم زاویه از هدف را ارزیابی کرد. حضرت یوسف (ع) وقتی نظریه خشکسالی را مطرح می‌کند، در قالب راهبرد عبور از بحران، به سیاســـت‌گذاری کلان اشاره کرده و به مهندســـی آن می‌پردازد. آن حضرت (ع) سپس با برنامه‌ریزی دقیق و انتخاب مسئولان کارآمد با ویژگی‌هایی چون متخصص و متعهد بودن (یوســـف، آیه ۵۵) درصدد تحقق راهبرد خود بر می‌آید و جامعه را به امنیت غذایی می‌رساند. (یوسف، آیات ۴۷ و ۴۸)

البته باید توجه داشـــت که اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد اساسی نه راهبرد مقطعی و محدود به زمان و مکان، مطرح است؛ چرا که اقتصاد مقاومتی چنانکه تعریف شد اقتصادی است که بتواند روی‌پای خود بایســـتد و از هر گونه آفت درونی و آسیب بیرونی در امان باشد و ســـعادت و آسایش و رفاه جامعه را تامین کند. پس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در اقتصاد مقاومتی می‌بایست براساس این اصل راهبردی صورت گیرد.

این بدان معنا نیست که مقتضیات زمانی و مکانی در اقتصاد مقاومتی با توجه به شـــرایط جوامع و مقتضیات مکان و جغرافیا یا زمان نادیده گرفته شود، بلکه در سیاست‌گذاری‌های جزیی و برنامه‌ریزی می‌بایست همواره شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی مد نظر قرار گیرد.

در آیات و روایات بر توجه و به مقتضیات زمانی و مکان و شرایط و موقعیت‌ها تاکید بسیار شده است. اصولا مدیر عالم و موفق کسی است که بتواند درک درستی از شرایط و مقتضیات داشته باشد و در برنامه‌ریزی و اجـــرا آن را مد نظر قرار دهد. واقع بینی در عین حقیقت گرایی یک اصل از اصول عقلانی و اسلامی است. پس اگر راهبرد اقتصاد مقاومتی یک حقیقتی است که باید آن را بپذیریم، حال باید به مقتضیات زمانی و مکانی در قالب واقع‌بینی توجه و اهتمام ورزیم.

امیـــر مومنان علی (ع) در باره پیامبر (ص) می‌فرماید: او (پیامبر) پزشـــکی است که با طب خویش پیوســـته در گردش است، داروها و مرهم‌های خود را به خوبی آماده ســـاخته و ابـــزار داغ کردن را (برای سوزاندن زخم‌ها) تفتیده و گداخته کرده است، تا بر هر جا که نیاز داشته باشـــد بگذارد؛ بر دل‌های کور، برگوش‌های کر، بر زبان‌های گنگ، او با داروهای خویش بیماران غفلت زده و سرگشـــته را رسیدگی و درمان می‌کند، همان‌هایی که از فروغ حکمت بهره نگرفته و اندیشـــه خود را به انوار دانش‌هایی که اعماق جان را روشـــنی بخشـــد، تابان و فروزان نکرده‌اند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸؛ شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۱۸۳؛ شـــرح نهج‌البلاغه، ابن میثم بحرانی، ترجمه محمدی مقدم و دیگران، ج ۳، ص ۷۴- ۷۵)

این حدیث بیان می‌کند که پیامبر (ص) پزشکی است که همراه با اصل درمان می‌گردد، پس گاهی مرهم می‌نهد و گاهی داغ می‌گذارد؛ او به نیاز شخص نگاه می‌کند و گردش طب و درمان و نسخه پیچی‌اش براساس شخص بیمار، نوع بیماری و نیازهای اوست.

پس پیامبر (ص) با توجـــه به مقتضیات رفتار می‌کند و هر مدیر موفقی هم باید این گونه عمل کند و برنامه‌ریزی‌اش براساس مقتضیات و شـــرایط باشد و به عناصری چون زمان و مکان توجه داشته باشد تا بتواند برنامه‌ای مبتنی بر واقع‌بینی در راستای رسیدن به حقیقت کمالی و راهبردی اساسی داشته باشد.

*** دراقتصاد مقاومتی تا به ضرورت اقتصاد مقاومتی برای جامعه نرسیم و جزم اندیشه‌ای پیدا نکنیم، هیچ‌انگیزه‌ای برای حرکت در راهبرد اقتصاد مقاومتی وجود نخواهد داشت.**

برنامه‌ریزی مبتنی بر شرایط در کلام رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب در باره توجه به شرایط و مقتضیات در برنامه‌ریزی می‌فرمایند: اگر پایه اقتصاد کشور براساس استفاده از ظرفیت‌های مردمی و تولید داخلی، برنامه‌ریزی و مســـتحکم شـــود، دیگر برای تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت عزا نمی‌گیریم و دچار نگرانی نمی‌شویم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اینکه باید در مقابل برنامه‌ریزی بدخواهان بگونه‌ای تلاش شود که ضربه دشمن، تاثیرگذار نشود و یا کم اثر شود، افزودند: علاوه بر برنامه‌ریزی مستمر و گسترده جبهه استکبار، اقتصاد کشور از دو اشکال بزرگ «نفتی بودن» و «دولتی بودن» نیز به شـــدت رنج می‌برد. ایشان خام فروشی نفت و صرف آن در امور جاری کشـــور و استفاده نکردن از فرآورده‌های گسترده ناشی از ارزش افزوده نفت را، میراث شـــوم رژیم طاغوت و خسارتی جبران ناپذیر خواندند و گفتند: این روش، آسان‌ترین راه پول درآوردن است که برخی از م